

The Phenomenological Analysis of Blinds Academic Achievement Factors

Azam Jalalikhah*
Hossein Ahmad Barabadi**
Hadi Abbasi***

Introduction

The most important channel of learning is the visual channel because 80% of human learning is done through the visual channel. One of the problems of blind people or those with visual impairments is educational problems, especially in higher education. Some studies have shown that people with visual impairments might have less self-efficacy, lower educational progress and physical abilities due to social rejection. However, these people have special talents. The educational level is one of the predictors of self-confidence, self-esteem and the life quality for blind people. Therefore, the level of education and presence in university will have positive effects on the blind individuals' psychological well-being. Although some studies have been conducted on the educational progress of people with visual impairments, no qualitative research has yet been conducted with the aim of evaluating the understanding, lived experience of these people and the influential factors in their academic achievement in higher education. Therefore, the goal of this research is to identify the main factors underlying the academic achievement of blind students via the exploration of their lived experiences.

Method

The current research was conducted with a qualitative approach via the application of phenomenological methodology. The participants of this research were 15 blind students in Iran who were either PhD. candidates or

* M.A. in Family Counseling, University of Bojnord, Bojnord, Iran.

** Assistant Professor, University of Bojnord, Bojnord, Iran *Corresponding Author:*
habarabadi@gmail.com

*** Assistant Professor, University of Bojnord, Bojnord, Iran

graduates from universities during 2018-2019 academic year. These participants were selected via snowball sampling. Sampling continued until we reached data saturation and further data did not provide us with any new information. The data were collected through deep semi-structured interviews during 3 months by telephone interviews while using Colaizzi methodology for coding and analyzing the data through seven steps. For validating the results of this research, the final analysis of interviews was tabulated with variables and concepts were shown to three participants and two professors who were familiar with the scope of the study for study. They all agreed with the extracted themes and the interpreted data.

Results

About 248 initial codes, which were extracted from the interviews through similar meanings, were organized in 44 concepts. They were categorized into the following 10 main themes: family supports, using education for meeting the needs, compensating for the experiences and unpleasant feelings, perspectives and hopeful believes, secondary educational achievements, educational context, positive personal features, cognitive talents and abilities, positive social factors and goal-defining toward values and interests.

Conclusion

The participants' interviews show that having higher family support was the reason that these people choose education for meeting their innate needs for progress, independence, attention and security. Also, they choose education based on unpleasant feelings and experiences from social contacts in order to build a bright future for themselves. They had achievements with the help of their cognitive abilities and characteristics such as hard working, tolerance and responsibility which motivated them for their further progress. Educational context and hopeful perspective in society about higher education also encouraged them to increase their attention to academic studies as well as acquiring academic achievements.

Keywords: Phenomenology, Academic achievement, Blinds

Author Contributions: This article is extracted from the MA thesis of the first author, under the supervision of Dr. Barabadi and with the consultation of Dr. Abbasi.

Acknowledgments: The authors would like to express their gratitude towards all those who participated in this research.

Conflicts of Interest: The authors declare there is no conflict of interest in this article.

Funding: This article has been done without any financial aids.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۹/۱۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۰۳/۱۵

دست آوردهای روان‌شناختی
دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار و تابستان ۱۳۹۹
دوره‌ی چهارم، سال ۲۷، شماره‌ی ۱
ص: ۲۴۶-۲۲۳

تحلیل پدیدارشناسانه عوامل موفقیت تحصیلی نابینایان

اعظم جلالی خواه *

حسین احمد برابادی **

هادی عباسی ***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل موفقیت تحصیلی افراد دارای مشکل بینایی انجام شد. برای این منظور از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش تعداد ۱۵ نفر از افراد دارای مشکل بینایی بودند که بخش اعظم زندگی خود را در نابینایی گذرانده و در سال تحصیلی ۹۶-۹۷، دانشجو یا فارغ‌التحصیل دوره دکتری بودند. این افراد به روش نمونه‌گیری هدفمند و با راهبرد گلوله برفی انتخاب شدند و به منظور جمع‌آوری داده‌ها، با آن‌ها مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌های جمع‌آوری شده با روش Colaizzi تحلیل شد و تعداد ۲۴۸ کد اولیه استخراج شده از مصاحبه‌ها براساس شباهت معنایی، در ۴۴ مفهوم جای گرفتند و سپس مفاهیم مرتبط با هم تحت عنوان ۱۰ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند که عبارتند از: حمایت‌های خانوادگی، استفاده از تحصیل برای رفع نیازها، جبران تجارب و احساسات ناخوشایند، نگرش‌ها و باورهای امیدبخش، دستاوردهای ضمنی تحصیل، بسترسازی محیط‌های آموزشی، ویژگی‌های مثبت شخصیتی، استعدادها و توانایی‌های شناختی، عوامل مثبت اجتماعی و هدف‌گذاری در جهت ارزش‌ها و علایق. اظهارات مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که برخورداری از حمایت‌های خانواده باعث شده بود که این افراد مسیر تحصیلات را برای پاسخگویی به

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

habarabadi@gmail.com

** استادیار، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران (نویسنده‌ی مسئول)

*** استادیار، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

نیازهای فطری خود به پیشرفت، استقلال، توجه و امنیت انتخاب کرده و با توجه به تجارب و احساسات ناخوشایندی که در برخوردهای اجتماعی درک کرده بودند، به امید ساختن آینده‌ای روشن برای خود، در این مسیر به پیش بروند. آن‌ها با استفاده از توانایی‌های شناختی خود و با کمک ویژگی‌هایی مثل سخت‌رویی، تاب‌آوری و مسئولیت‌پذیری در قبال مشکلات، دستاوردهایی در این مسیر به دست آوردند که باعث تشویق و تقویت آن‌ها در ادامه راه شد. در این میان بسترسازی محیط‌های آموزشی و دیدگاه مثبتی که در اجتماع نسبت به تحصیلات وجود داشت نیز موجب علاقه‌مند شدن مشارکت‌کنندگان به درس و تحصیل و هدف‌گذاری آن‌ها در این جهت شده بود.

کلید واژگان: پدیدارشناسی، موفقیت تحصیلی، نابینایان.

مقدمه

در میان کم‌توانایی‌های جسمی، مشکلات بینایی (کم بینایی یا نابینایی)، از مهم‌ترین نقایص حسی هستند که با توجه به نقش بینایی در درک اطلاعات محیطی و یادگیری، افراد درگیر را با مشکلات زیادی مواجه می‌کنند، نابینایان از شایع‌ترین گروه‌های افراد کم‌توان هستند (Mahdinejad, Goharpey, Ghasemzadeh & Ltifi, 2016). از نظر قانونی فرد نابینا به کسی گفته می‌شود که شدت بینایی او در چشم برتر و حتی با استفاده از وسایل کمک‌بینایی مثل عینک ۲۰/۲۰۰ (۱۰ درصد) یا کمتر باشد. براساس تعریف آموزشی نیز، نابینایی به وضعیتی اطلاق می‌گردد که دانش‌آموز باید با خط بریل یا روش‌های شفاهی آموزش ببیند (Dursin, 2012). تعداد نابینایان و افراد دارای مشکل بینایی در دنیا به‌طور دقیق شناخته شده نیست ولی WHO در زمان‌های مختلف آن را تخمین زده است. بر اساس آمار در سال ۱۹۹۰، ۳۱/۸ میلیون نفر نابینا و ۱۷۲ میلیون نفر دارای مشکلات بینایی در جهان وجود داشته است. این تعداد در سال ۲۰۱۰، به ترتیب به ۳۲/۴ و ۱۹۱ میلیون و در سال ۲۰۱۵، به ۳۶ و ۲۱۶ میلیون نفر رسید (Keeffe, 2019).

اختلال بینایی می‌تواند از زمان کودکی موجب کاهش پیشرفت اجتماعی و شناختی شود. به علاوه، این اختلال می‌تواند مهارت‌های یادگیری و بهبود استعدادها را شخصی حاصل از آن را پیچیده کند (Dursin, 2012). میزان اضطراب در بزرگسالان دارای اختلال بینایی بیشتر از بزرگسالان بدون اختلال بینایی است (Papadopoulos, Papakonstantinou, Montgomery & Solomou, 2014). مطالعات نشان می‌دهد که در کودکان نابینا یا دارای اختلال شدید بینایی،

فقدان زودهنگام تجربه تصویری ممکن است در تجربه نرمال مهارت‌های اجتماعی مانند توانایی درک و فهمیدن وضعیت ذهنی و احساسات دیگران، دخالت داشته باشد (Ferrari, Vecchi, Merabet & Cattaneo, 2017). نابینایان نسبت به آینده خود بیمناک‌ترند و نگرش منفی بیشتری نسبت به خود دارند که روی خودپنداره و عزت نفس آن‌ها اثر منفی گذاشته و باعث می‌شود آن‌ها نتوانند هویت موفق را در خود رشد دهند (Molazadeh, Javanmard, Arazi & Yeganegi, 2013).

مهم‌ترین مسیر یادگیری، بینایی است (Hodapoor, Sharifidaramadi & Kazemi, 2015) و انسان‌ها به‌طور طبیعی حدود ۸۰ درصد از آموخته‌های خود را از طریق مشاهده و بینایی به دست می‌آورند و تنها ۲۰ درصد آموخته‌ها از طریق سایر حواس کسب می‌شود (Arjmandnia, Vatani & Hasanzadeh, 2017). بنابراین یکی از مشکلات نابینایان، معضلات آموزشی به خصوص در سطح آموزش عالی است (Entezari, 2016). برخی مطالعات نشان داده‌اند که افراد با آسیب بینایی ممکن است به دلیل کمبود پذیرش اجتماعی، پیشرفت تحصیلی پایین و توانایی‌های فیزیکی کمتر، دچار احساس بی‌کفایتی شوند (Habibi, Khosro, Javed & Khanzadeh, 2014). در حالی که این افراد استعدادهایی دارند که ترکیبی از توانایی‌ها و ناتوانی‌های ویژه است (Mohammadi Ghaletaki, Ghamrani & Barmak, 2014).

به نظر می‌رسد وجود مسائل یاد شده و همچنین کمبود محیط و امکانات آموزشی مخصوص این افراد، برای این‌که آن‌ها نتوانند هویت موفق را در خود رشد دهند و تمایلی به حضور در اجتماع، ادامه تحصیل و تلاش برای پیشرفت و موفقیت در زندگی خود نداشته باشند، کافی باشد؛ اما با این حال برخی از همین افراد توانسته‌اند بر مشکلات خود فایز آمده و در مسیر پیشرفت و موفقیت گام بردارند و به مدارج بالایی علمی و تحصیلی و شغل مناسب دست یابند. یکی از عواملی که اعتماد به نفس به آن بستگی دارد موفقیت در زندگی است (Augestad, 2017). حرکت در مسیر موفقیت به فرد کمک می‌کند تا از طریق کسب شایستگی در جنبه‌های مهم زندگی و برنامه‌ریزی برای موفقیت در این حیطه‌ها، بر احساس شکست و روحیه ضعیف خود فایز آید (Frisch, 2006). نابینایان موفق با تکیه بر این باور مثبت که مشقت قسمتی از زندگی و البته آموزنده است؛ به استقبال مشکلات رفته و در جهت بروز قابلیت‌های خود تلاش می‌کنند (Bahrami, Vaez Mousavi & Davari, 2014).

طبق پژوهش‌های انجام شده، رابطه معناداری بین سطح تحصیلات با کیفیت زندگی نابینایان (Amini, Haghani & Masoumi, 2010) و نیز بین موفقیت تحصیلی نابینایان با عزت نفس این افراد (Papadopoulos, 2014) و صفات شخصیتی آن‌ها (Klinkosz, Secowski & Brambring, 2006)، وجود دارد. به طوری که سطح تحصیلات یکی از پیش‌بینی کننده‌های اعتماد به نفس، عزت نفس و کیفیت زندگی نابینایان است. بنابراین تحصیلات و حضور در دانشگاه اثر مثبتی بر سلامت روان‌شناختی افراد نابینا دارد (Molazadeh et al., 2013). با وجود مطالعاتی که در حوزه‌های مختلف پیشرفت تحصیلی افراد دارای مشکلات بینایی انجام شده است؛ تاکنون پژوهشی با رویکرد کیفی و با هدف بررسی ادراک و تجربه زیسته این افراد و عوامل تأثیرگذار بر موفقیت آن‌ها در مقاطع عالی تحصیلی، و همچنین به منظور درک عمیق‌تر مشکلات و مسائل پیش‌روی این افراد در این مسیر، صورت نگرفته است. بنابراین هدف این پژوهش، شناسایی عوامل موفقیت تحصیلی نابینایان، از طریق پرداختن به تجربه زیسته آن‌ها است.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی انجام گرفت. داده‌های پژوهش کیفی عموماً از طریق مشاهده، مصاحبه و تعاملات شفاهی جمع‌آوری می‌شود و بر تفسیرهای مشارکت‌کنندگان از موضوع، عقاید، ارزش‌ها و رفتار آن‌ها در بستر دست‌نخورده اجتماعی تمرکز می‌کند. روش پدیدارشناسی با هدف درک لایه‌های عمیق معنایی تجارب زیسته برخی افراد درباره یک مفهوم یا پدیده خاص انجام می‌شود. در این نوع پژوهش، ساختار آگاهی در تجربه‌های انسانی بررسی می‌شود و به رفتار انسان در بستر روابط خود با اشیاء، افراد و موقعیت‌ها می‌پردازد (Mohammadpour, 2013) و برای هدف این پژوهش یعنی شناسایی عوامل موفقیت تحصیلی نابینایان، روش مناسبی به نظر می‌رسد.

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۵ نفر از افراد دارای مشکل بینایی در سطح کشور بودند که به صورت هدفمند و به روش گلوله برفی از بین تمامی افراد دارای شرایط مشابه انتخاب شدند. این افراد شامل ۱۰ نفر مرد و ۵ نفر زن با میانگین سنی ۳۴/۸ سال بودند که همگی با مشکل بینایی به صورت مادرزادی یا در سال‌های اولیه تحصیل روبرو شده و بخش اعظم

زندگی و تحصیلات خود را در شرایط نابینایی گذرانده بودند. ۵ نفر از این افراد متأهل و ۱۰ نفر مجرد بودند. ۸ نفر دوره دکتری خود را در دانشگاه تهران، ۳ نفر در دانشگاه علامه طباطبائی، ۱ نفر در دانشگاه اصفهان، ۱ نفر در دانشگاه آزاد اسلامی، ۱ نفر در دانشگاه فردوسی مشهد و ۱ نفر در دانشگاه امام رضا (ع) مشهد گذرانده بودند. معیار ورود به مطالعه، داشتن مشکل بینایی و گذراندن بخش اعظم زندگی و تحصیلات خود در شرایط نابینایی، دانشجوی یا فارغ‌التحصیل مقطع دکتری بودن در سال تحصیلی ۹۶-۹۷، کسب رتبه ممتاز در کنکور دکتری و تمایل به مشارکت و در اختیار قرار دادن تجارب خود در مورد موضوع مورد مطالعه بود.

ابزار پژوهش

داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته، در طول سه ماه و از طریق مصاحبه تلفنی جمع‌آوری شد. تمام مصاحبه‌ها به‌طور کامل ضبط و پیاده‌سازی شد. مدت مصاحبه‌ها متغیر و به‌طور متوسط ۴۵ دقیقه برای هر مشارکت‌کننده بود. مصاحبه‌ها با سؤال کلی "چه عواملی در زندگی شما وجود داشت که باعث شد مسیر تحصیل را دنبال کنید و تا مقطع دکتری ادامه دهید؟" شروع و سؤالات پی‌گیری با توجه به پاسخ‌های قبلی به صورت عمیق‌تر و اختصاصی‌تر پرسیده شد. نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به نقطه اشباع در هر مفهوم ادامه یافت و داده‌های بیشتر، اطلاعات جدیدی ارائه نداد.

تحلیل داده‌ها

در این مطالعه از روش Colaizzi برای کدبرداری و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها استفاده شد که شامل هفت مرحله است: ۱- خوانش توصیف‌های افراد نمونه، ۲- استخراج عبارت‌های مهم و مرتبط با موضوع، ۳- فرمول‌بندی معانی، ۴- سازمان‌دهی مفاهیم، ۵- ترکیب نتایج در قالب یک توصیف مفصل از پدیده و به دست آمدن مقوله‌ها، ۶- صورت‌بندی توصیف در قالب یک عبارت شناختی و ۷- معتبر سازی نهایی (Mohammadpour, 2013).

ارزیابی یافته‌های پژوهش

برای اعتباریابی نتایج پژوهش، نتیجه تحلیل‌های صورت گرفته از مصاحبه‌ها به صورت جدولی از مقوله‌ها و مفاهیم در اختیار سه تن از مشارکت‌کنندگان و دو تن از اساتید مربوط به

این حوزه فرار گرفت و تأیید شد. همچنین تمام مراحل انجام پژوهش و کدگذاری مصاحبه‌ها با نظارت استادان راهنما و مشاور و به صورت کاملاً مستند صورت گرفت. در همین راستا بعد از رسیدن به اشباع نظری، چند مصاحبه آخر برای تأیید یافته‌ها انجام شد.

یافته‌ها

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل موفقیت تحصیلی نابینایان انجام گرفت. مشارکت‌کنندگان تعداد ۱۵ نفر از نابینایان دانشجو یا فارغ‌التحصیل مقطع دکتری در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ بودند که با امتیاز استعداد درخشان و یا رتبه‌های ممتاز وارد این مقطع شده بودند. اطلاعات جمعیت‌شناختی این افراد در جدول ۱ ارائه شده است. مراحل استخراج مفاهیم و مقوله‌ها براساس گام‌های کلایزی انجام گرفت؛ به این ترتیب که پس از جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شد و جملات مهم و فراهم‌کننده اطلاعاتی در مورد موضوع مورد نظر استخراج شدند. بعد از اختصاص معانی به این جملات، تعداد ۲۴۸ کد اولیه به دست آمد. سپس کدهای مرتبط با هم در قالب یک مفهوم سازماندهی شد و در نهایت ۴۴ مفهوم حاصل، به صورت ۱۰ مقوله اصلی دسته‌بندی گردیدند. در مرحله آخر برای اعتباریابی، نتایج به مصاحبه‌شوندگان ارائه شد.

۱- حمایت‌های خانوادگی. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که دریافت حمایت از طرف خانواده در حوزه‌های مختلف، یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر موفقیت تحصیلی افراد مشارکت‌کننده در این پژوهش بوده است. مفاهیم مربوط به این مقوله عبارتند از: جو تحصیلی خانواده، فراهم‌سازی امکانات توسط خانواده و حمایت‌های عاطفی-اجتماعی خانواده.

مشارکت‌کننده شماره ۱۰: یادمه مادرم خیلی منو تشویق می‌کرد؛ بهم می‌گفت: تنها چیزی که برام مهمه اینه که تو از لحاظ فکری و درسی خوبی و قضیه نابیناییت برام اصلاً مهم نیست.

مشارکت‌کننده شماره ۲: خونه و خانواده به محیط فرهنگی باشه مهمه، اینکه کتاب تو خونه باشه و یه جایی به اسم کتابخونه وجود داشته باشه و کتاب در دسترس باشه خودش خیلی خیلی کمک میکنه.

۲- استفاده از تحصیل برای رفع نیازها. در تحلیل کدهای اولیه مشخص شد که پاسخگویی به

Table 1.
Demographic characteristics of the participants

University	PhD Program Field	PhD Entrance Exam Rank	Marital Status	Gender	Age	Participant
Imam Reza	Arabic Literature	22	Married	Male	36	1
Allameh Tabataba'i	Persian Literature	1	Married	Male	38	2
Tehran	Health Psychology	17	Single	Male	29	3
Tehran	Islamic History and Civilization	Exceptional Distinct Student	Single	Female	36	4
Allameh Tabataba'i	Persian Literature	14	Single	Male	35	5
Islamic Azad	Islamic History and Civilization	6	Single	Male	35	6
Isfahan	Persian Literature	Exceptional Distinct Student	Single	Male	30	7
Tehran	Educational Management	1	Single	Male	31	8
Tehran	Sociology	Exceptional Distinct Student	Single	Female	30	9
Tehran	Philosophy of Education	3	Single	Female	36	10
Tehran	Political Science	11	Single	Female	27	11
Tehran	International Law	3	Married	Male	31	12
Allameh Tabataba'i	Persian Literature	-	Married	Male	50	13
Ferdowsi Mashhad	Arabic Literature	1	Married	Male	36	14
Tehran	Sociology	Exceptional Distinct Student	Single	Female	43	15

نیازهای درونی، یکی از منابع انگیزه‌بخش مشارکت‌کنندگان، در مسیر تحصیل بوده است. مفاهیم مربوط به این مقوله عبارتند از: حرکت در جهت دستیابی به قدرت و پیشرفت کردن؛ جلب توجه و محبت دیگران؛ رسیدن به استقلال و عدم وابستگی به دیگران و دستیابی به امنیت شغلی. مشارکت‌کننده شماره ۱: دیگه تشنه استقلال بودم و تشنه دور بودن از خانواده بودم؛ خیلی اصرار داشتم که ثابت کنم که من می‌تونم هر کاری رو خودم انجام بدم و می‌تونم رو پای

خودم بایستم و آدم موفق‌ی باشم.

مشارکت‌کننده شماره ۱۳: تنها آدم اون موقعی دیده میشه که از نظر تحصیلی بتونه خودشو بکشه بالا و حتماً جزو شاخصین باشه تا دیده بشه.

مشارکت‌کننده شماره ۱۵: حقوقی که من میگرفتم فقط مال خودم نبود، من باید خونوام رو حمایت می‌کردم و خب خونواده من تحت حمایت منن؛ معقولانه بود که من بتونم راهی پیدا کنم که ارتقای شغلی پیدا کنم.

۳- جبران تجارب و احساسات ناخوشایند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که جبران تجارب و احساسات ناخوشایند درک‌شده در طول زندگی، یکی از عوامل پیش‌برنده در مسیر رسیدن به موفقیت تحصیلی برای افراد مشارکت‌کننده در این پژوهش بوده است. استفاده از مکانیسم جبران؛ پیشگیری از ترس‌ها و نگرانی‌های آینده؛ محدودیت‌های تأثیرگذار و فرار از دیدگاه منفی جامعه نسبت به نابینایان، مفاهیم مربوط به این مقوله بودند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۰: مطمئناً خیلی از راه‌هایی که افرادی که مشکل ندارن به روشن بازه، به روی ما بستن.

مشارکت‌کننده شماره ۱۳: جامعه مرتب در حال انکار و پس‌زدن ماست و ما رو به رسمیت نمیشناسه، جامعه مجال نمیده و تو هی باید گام‌های بلندتری برداری و هی توانمندی‌های نهفته خودت رو بیرون بکشی و نشون بدی، تا نتونن تو رو انکار کنن و پس بزین.

۴- نگرش‌ها و باورهای امیدبخش. اظهارات مشارکت‌کنندگان حاکی از آن است که وجود نگرش‌ها و باورهای امیدبخش یکی از عوامل مؤثر در موفقیت آن‌ها در رسیدن به مقاطع عالی تحصیلی بوده است. مفاهیمی که این مقوله در بر می‌گیرد عبارتند از: باورهای معنوی؛ امیدواری و نگرش‌های کارآمد.

مشارکت‌کننده شماره ۱: چون من معتقدم، آدم همه چیز می‌تواند بشود جز خدا؛ اصلاً ما برای اینجا و این مسیر خلق نشدیم، هدف ما رسیدن به خداست.

مشارکت‌کننده شماره ۱۴: باور دارم که هر کسی نتیجه تلاش خودش رو می‌گیره و نتیجه نیت و اندیشه خودش رو می‌گیره.

۵- دست‌آوردهای ضمنی تحصیل. طبق تحلیل‌های انجام‌شده، مشارکت‌کنندگان این پژوهش در طول مسیر تحصیل دست‌آوردهایی از جنس تجارب و احساسات خوشایند را تجربه کرده بودند که باعث حفظ انگیزه‌های آن‌ها برای ادامه راه شده بود.

مشارکت‌کننده شماره ۳: توی ۱۲ سال تحصیلمون بی‌اغراق جزء تاپ‌ها و نفرات اول بودیم و این خودش هم مشوق بود.

مشارکت‌کننده شماره ۴: یه خودباوری هست که همیشه به عنوان یه عامل در نظر گرفت. خب من دیدم که خودم می‌تونم، بدون کمک دیگران می‌تونم درس بخونم، فکر کنم و مقاله بنویسم، برتر باشم، پایان‌نامه بنویسم و این‌ها مانعی برای رشد من نیست.

۶- بسترسازی محیط‌های آموزشی. در تحلیل‌های انجام شده؛ بسترهایی که توسط محیط‌های آموزشی فراهم شده بود تأثیر زیادی در موفقیت تحصیلی شرکت‌کنندگان در این پژوهش داشته است. مفاهیم مربوط به این مقوله عبارتند از: جذابیت‌های دانشگاه؛ حمایت‌های معلم‌ها و اساتید و ظرفیت‌های مدارس و دانشگاه‌ها.

مشارکت‌کننده شماره ۱ (تو دانشگاه تهران) دیدم که فضا خیلی متفاوت نسبت به خیلی از جاهایی که ما نیستیم ... خوابگاه‌های مناسبی داره و ... اتاقای یک‌نفره و دونفره داشت برای بچه‌های نابینا، ... کتابخونه گویا داشت؛ کلاً جوی که توی دانشگاه تهران حاکم بود، خیلی علمی و خیلی مثبت بود و شما رو تشویق می‌کرد برای رو به جلو رفتن.

مشارکت‌کننده شماره ۱۲: آشنایی با یکی از اساتید دوره کارشناسی که بیشتر دوران ارشد و دکتری تدریس می‌کردن، شخصیت و منش ایشان برای من الگوی بسیار خوبی شد که من این راه رو ادامه بدم.

۷- استعدادها و توانایی‌های شناختی. طبق اظهارات مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، آن‌ها از استعدادها و توانایی‌های شناختی برخوردار بودند که برای حرکت در راه تحصیل و رسیدن به موفقیت به آن‌ها کمک کرده بود. از جمله این توانایی‌ها می‌توان به مهارت حل مسئله، مهارت برقراری ارتباط، توانایی برنامه‌ریزی، مهارت‌های یادگیری، ویژگی‌های ذاتی و مهارت‌های شخصی کسب شده، اشاره کرد.

مشارکت‌کننده شماره ۵: خب من مترجم بودم و کارم راحت‌تر بود.

مشارکت‌کننده شماره ۱۲: تلاشی که صورت گرفت این بود که بیشتر به بچه‌ها نزدیک‌تر بشم و برای جبران این خلأ، از هم‌کلاسی‌ها کمک بگیرم، ضبط کتب و منابع و مطالبی که سرکلاس مطرح می‌شد.

مشارکت‌کننده شماره ۱۴: من از دوستم بیشتر گوش می‌دادم و بیشتر دقت می‌کردم، بیشتر به ذهن می‌سپردم، بهتر تحلیل می‌کردم و بهتر طبقه‌بندی می‌کردم و بهتر عرضه می‌کردم و

نتیجه‌گیری می‌کردم.

۸- ویژگی‌های مثبت شخصیتی. تحلیل‌های انجام شده نشان داد که افراد حاضر در این پژوهش، از ویژگی‌های مثبت شخصیتی برخوردار بودند که حرکت در مسیر پر فراز و نشیب تحصیل را برای آن‌ها امکان‌پذیر می‌کرد. مفاهیم مرتبط با این مقوله عبارتند از: رقابت‌طلبی، پذیرش و تاب‌آوری، سخت‌رویی، کمال‌گرایی، خوداتکایی، شجاعت و مسئولیت‌پذیری.

مشارکت‌کننده شماره ۴: من در کنار دانشجویها نباید کم بیارم و همیشه کلاً رقابت‌طلب هستم.

مشارکت‌کننده شماره ۵: من می‌گم آدم باید به جاهایی رو خودش مسئولیت مشکلات رو به

عهده بگیره؛ ما همه مشکلاتو از دیگران می‌بینیم.

مشارکت‌کننده شماره ۷: تلاشی که من کردم نسبت به همکلاسی‌های بینای خودم در دانشگاه

شاید چندین برابر بود.

۹- عوامل مثبت اجتماعی. مشارکت‌کنندگان در اظهارات خود از عوامل مثبتی که در اجتماع وجود داشت، به عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر در رسیدن به موفقیت تحصیلی خود یاد کردند. از جمله این عوامل می‌توان به متصل شدن به منابع حمایت‌کننده اجتماعی؛ نگرش‌های مثبت اجتماعی نسبت به تحصیلات؛ وجود الگوهای موفق نابینا در جامعه و نقش حمایتی دوستان، اشاره کرد.

مشارکت‌کننده شماره ۳: اگه تو جلسه‌ای رفتی اگه قرار بود از حقوق افراد دارای کم‌توانی

دفاع کنی، باید این پسوند (دکتر) باهات باشه به‌عنوان یه متخصص و دکتر رشته

خودت. وقتی تو دکتر رشته خودت باشی، وقتی یه حرفی رو می‌زنی حتی اگه معلول هم

باشی مجبورن ازت بپذیرن.

مشارکت‌کننده شماره ۱۳: گفتم که ما ۴۰-۵۰ سال پیش کسی رو داشتیم مثل دکتر خزایی که

هم نماینده مجلس بود و هم مدرس و هم نویسنده و هم سناتور و هم وکیل؛ وقتی اون

زمان تونسته این کار رو بکنه، یعنی ما الان نمی‌تونیم؟!!

۱۰- هدف‌گذاری در جهت ارزش‌ها و علایق. افراد مشارکت‌کننده در این پژوهش،

ارزش‌ها و علایقی داشتند که در راستای رسیدن به آن‌ها هدف‌گذاری کرده بودند. از جمله این

مفاهیم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تعیین و اولویت‌بندی ارزش‌ها در زندگی؛ استفاده از

تحصیل برای حرکت در جهت علایق شخصی؛ هدف‌گذاری شغلی و اقتصادی؛ هدف‌گذاری

علمی و تحصیلی؛ رسیدن به اهداف شخصی؛ رسیدن به اهداف اجتماعی و تحقق اهداف تخیلی.

مشارکت‌کننده شماره ۴: در کنارش مسیر لذت‌بخشه خیلی برام مهمه، دوست دارم چیزایی رو

که برام خوشایند رو انجام بدم تا به این هدفم برسم. مشارکت‌کننده شماره ۷: من دوست داشتم همه چی رو در مورد این رشته بدونم و به بالاترین درجش برسم. بالاترین درجه یعنی این که خودم بتونم به نظری بدم تو این رشته، خب منتهی می‌شد به دکتری.

مشارکت‌کننده شماره ۱۱: من یکی از کارایی که تلاش می‌کردم بکنم این بود که اگر احیاناً نگاه منفی وجود داره نسبت به نابینایان توی این حوزه، این نگاه رو تغییر بدم، یعنی سعی کنم بهتر کنم این نگاه رو نسبت به قبل و اساساً یکی از هدف‌های من هم همین بود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر در موفقیت تحصیلی نابینایان بود. در این راستا ۱۰ مقوله اصلی کشف شد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود. وجود فضای درس و تحصیل در خانواده، آشنایی اعضای آن با کتاب و کتابخوانی از کودکی، و تحصیل کرده بودن اعضای خانواده می‌تواند علاوه بر ترغیب فرد نابینا برای گام برداشتن در این مسیر، نقش الگو را نیز برای وی بازی کند. خانواده همچنین با فراهم کردن امکانات لازم و حمایت عاطفی از عضو نابینای خود، می‌تواند ورود وی به مسیر تحصیل و ادامه دادن آن را تسهیل نموده و با تشویق وی، امید و اعتماد به نفس را به او القاء کند. والدین همچنین با نگاه پذیرا نسبت به مشکل فرزند خود، اعتماد به توانایی‌های او و معرفی وی به جامعه نابینایان، می‌توانند در جهت مستقل بار آوردن فرزند خود تلاش کنند. پژوهش‌های مختلفی ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم عوامل خانوادگی دانش‌آموزان را با موفقیت تحصیلی آنها مورد تأیید قرار داده (Jeynes, 2013) و به گفته (Bourdieu, 1983)، این موارد به‌عنوان بخشی از سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی فرد، با موفقیت تحصیلی رابطه داشته و کمک می‌کنند وی بتواند تا بالاترین سطوح علمی، ادامه تحصیل بدهد (cited by Janalizadeh, Chobdasti, Khoshfar & Sepehr, 2012).

رفتار انسان بیشتر از این که به وسیله عوامل بیرونی برانگیخته شود، از عوامل درونی نشأت می‌گیرد که همان نیازهای بنیادین آدمی است که فطری بوده و ریشه ژنتیکی دارد (Sahebi, Zalizadeh & Zalizadeh, 2015). با توجه به این که اشتغال یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های نابینایان است، آن‌ها امیدوارند که از طریق اتمام تحصیلات و یافتن شغل مناسب، بتوانند در

کنار استقلال شخصیتی، نیاز به امنیت شغلی و استقلال مالی خود را نیز پاسخ بگویند و به درآمد بیشتر برسند. آن‌ها همچنین تلاش می‌کنند تا از طریق پیشرفت‌ها و موفقیت‌هایی که به دست می‌آورند، توجه و تحسین اطرافیان اعم از خانواده و فامیل و معلم‌ها و اساتید خود را هرچه بیشتر جلب کرده و بخشی از نیاز خود به محبت و تعلق را از طریق روابط خود ارضاء کنند و با حرکت در جهت شکوفا کردن استعدادهای خود در زمینه‌های مختلف، بخشی از نیاز خود به قدرت و پیشرفت را پاسخ دهند. در این زمینه به گفته Gholamali Lavasani, Khezri (2011), Azar, Amani and Alizadeh, (2011)، مطابق با نظریه خود تعیین‌گری، پاسخگویی به نیازهای روان‌شناختی با پیشرفت تحصیلی ارتباط معنی‌داری دارد.

احساسات ناخوشایندی مثل طرد شدن از مدرسه و جامعه، حقارت‌ها و ترحم‌های رنج‌آور، نارضایتی از شرایط مختلف و خشم ناشی از برخوردهای اجتماعی، به قدری برای افراد نابینا ناخوشایند است که می‌تواند باعث شود آن‌ها تصمیم بگیرند از ادامه تحصیل و رسیدن به مدارج عالی علمی، به عنوان مکانیسمی برای جبران آن‌ها استفاده کنند. در همین راستا، Adler معتقد است که یکی از راه‌های مقابله با احساس حقارت در انسان، استفاده از مکانیسم جبران است. در واقع Adler احساس حقارت را نیرویی انگیزشی برای رفتارهای انسان می‌داند که می‌تواند باعث پیشرفت و موفقیت او شود (Nasehi & Raeisi, 2007). محدودیت‌های نابینایان در انتخاب مسیر زندگی و رشته تحصیلی همچنین باعث می‌شود که این افراد تمام انرژی خود را در تنها راهی که می‌توانند به آن وارد شوند صرف کرده و در آن جلو بروند. در کنار این عوامل، اجتماع و دیدگاه‌های منفی که نسبت به افراد دارای کم‌توانی و نابینایان وجود دارد عامل دیگری است که با ناخوشایندی خود باعث می‌شود این افراد از هر روشی برای فرار کردن از آن استفاده کنند.

طبق نظریه مدل اجتماعی کم‌توانی، کم‌توانی یک اختلال فردی تعریف نمی‌شود بلکه یک محصول اجتماعی است و فرایند تعریف کم‌توانی در تعاملات اجتماعی، شکل می‌گیرد (Sadeghi Fassaei & Fateminia, 2014). با این اوصاف، به نظر می‌رسد افراد نابینا، تلاش می‌کنند با حرکت در مسیر تحصیل و پیشروی در آن، ضمن جبران تجارب ناخوشایند خود و فرار از نگاه منفی و حاکی از ضعف جامعه، جایگاه اجتماعی خود را ارتقا دهند. به طوری‌که Erfani (2010)، نیز پیشرفت تحصیلی را باعث توسعه سرمایه انسانی در زندگی و ارتقاء پایگاه

اجتماعی، شغلی و اقتصادی افراد می‌داند (cited by Hosseini, Zoghi Paidar & Rashid, 2018). بنظر می‌رسد داشتن باورهای معنوی و نگرش‌های امیدبخش به افراد نابینا کمک می‌کند تا بتوانند دشواری‌های مسیر تحصیل و زندگی در نابینایی را لطف خداوند تعبیر کرده و کمتر تحت تأثیر مشکلات قرار بگیرند. در نتیجه احساس آرامش بیشتری کرده و در برابر سختی‌ها تاب‌آوری بیشتری داشته باشند و به موفقیت‌های بیشتری دست یابند که با نظر روان‌شناسان تربینی و جامعه‌شناسان در پژوهش (Akbari Bourabg and Ghavamiarad, 2015) هم‌راستا است. (Kuing (2007; cited by Akbari Bourang & Ghavamiarad, 2015) نیز بر این باور است افرادی که اعتقادات دینی قوی‌تری دارند، از عملکرد تحصیلی بهتری برخوردارند. نابینایان به این امید که تلاش‌هایشان بی‌پاسخ نمی‌ماند و در نهایت حاصل تمام زحمات خود را خواهند دید، فراز و نشیب‌های دوران تحصیل را تحمل می‌کنند.

سازه امید یکی از مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی است (Soleimani & Mirzaei, 2018) که با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد (Mohebbi, Shahani & Pasha Sharifi, 2014). در این زمینه، نتایج پژوهش (Ebrahimi, Sabaghian and Abolghasemi, 2012) بین میزان امید دانشجویان و میزان موفقیت تحصیلی آن‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری نشان داد. او معتقد است که امید به آینده و رسیدن به موفقیت، یک رابطه دو طرفه با یکدیگر دارند. این افراد با نگاهی متفاوت و با دادن معانی جدید به مشکلات، آن‌ها را قاب‌گیری مجدد کرده و کمتر تحت تأثیر جنبه منفی آن قرار می‌گیرند. همان‌طور که (Arjmandnia, Vatani and Hasanzadeh, 2017) در مطالعه خود اشاره کرده‌اند، افراد نابینا با مجهز شدن به مهارت مثبت‌نگری، می‌توانند در زندگی‌شان باورهای غیرمنطقی کمتری را تجربه کنند و به‌طور شایسته‌تری با چالش‌های پیش‌رو مواجه شوند. در همین رابطه (Golestaneh, Soleimani and Dhghni, 2017) نیز سازه‌های امیدواری و خوش‌بینی را از مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی برشمرده‌اند که در کنار سایر مؤلفه‌ها، در کسب موفقیت تحصیلی مؤثر می‌باشند.

افراد نابینا در طول مسیر تحصیل خود دستاوردهایی به دست می‌آورند که باعث تقویت آنها در ادامه مسیر می‌شود. احساسات خوشایندی مثل احساس رضایت از زندگی بعد از نابینایی و شرایط شغلی و تحصیلی خویش، احساس لذت از مسیر تحصیل، احساس خودکارآمدی و باور به توانمندی‌های خود و احساس مفید بودن و ارزشمندی. -Kashy

این نتیجه رسیدند که احساسات مثبت با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد و باعث گسترش یادگیری در زمینه‌های مختلف می‌شود. بنظر می‌رسد که حرکت نابینایان در مسیر تحصیلات با تجارب و احساسات خوشایند آن، با فراهم کردن شاخص‌هایی، باعث بالا رفتن کیفیت زندگی این افراد شده و با توجه به رابطه مستقیم بین کیفیت زندگی و سطح تحصیلات، بر موفقیت تحصیلی آنها اثر گذاشته است (Sarabandi, Kamali & Mubarak, 2012).

نابینایان با مشاهده تغییرات مثبت در زندگی خود و کسب موفقیت‌های قابل‌توجه مثل ممتاز بودن در مدرسه و دانشگاه و رتبه خوب در کنکور، به توانایی‌های خود ایمان آورده و در مقابل شرایط دشوار احساس کارآمدی بیشتری می‌کنند. (Rezaei, Raisi and Jalilian (2018). معتقدند که سطوح بالای خودکارآمدی تحصیلی باعث می‌شود دانشجویان سازگاری تحصیلی بهتری داشته، راهبردهای یادگیری سودمندتری را به کار برند و توانایی بیشتری برای اتمام تحصیلات دانشگاهی و رسیدن به مرحله فارغ‌التحصیلی داشته باشند. در همین راستا، بر اساس نتایج پژوهش (Mousavi, Saghebi Saeedi and Shaker Nia (2018) عقبه تحصیلی به عنوان یکی از عوامل مربوط به دانشجوی، در موفقیت آنها دخیل است.

فضای حاکم بر مدارس و دانشگاه‌ها و همچنین امکانات خاصی که برای دانش‌آموزان و دانشجویان با شرایط ویژه فراهم می‌کنند، می‌تواند یک عامل تشویق‌کننده و انگیزه‌بخش برای ادامه مسیر تحصیل نابینایان باشد. فضای مثبت و متفاوت دانشگاه، حمایت اساتید و معلمان از این افراد، امکان ضبط کتب درسی و کتابخانه مخصوص نابینایان در کنار امکانات خوابگاهی متناسب با نیازهای آنها و همچنین امکان استفاده از فرصت استعداد درخشان برای ورود به مقطع بالاتر، همگی می‌توانند افراد نابینا را ترغیب به ماندن در این فضا و ادامه دادن تحصیل کند. در همین راستا، (Salehi, Abedi and Nilfroushan (2019) از رابطه معلم-شاگرد، تدریس معلم و استاد و فضای آموزشی، تحت عنوان ادراک از جو تحصیلی یاد کرده و آن را در موفقیت تحصیلی مؤثر می‌دانند. همچنین (Yousefi, Jamshidinejad and Moatamed (2018)، نشان دادند که ویژگی‌های نظام و محیط آموزشی مثل برنامه درسی، فرایند تدریس-یادگیری، تجهیزات و فضای آموزشی، تجهیزات رفاهی و محیط عاطفی آموزشی از عوامل تأثیرگذار بر انگیزش و موفقیت تحصیلی دانشجویان می‌باشد و هرچقدر که میزان تناسب

امکانات فیزیکی با نیازهای فرد بیشتر باشد، احتمال تحصیلات بالاتر بیشتر است. بنظر می‌رسد برخورداری از شماری از ویژگی‌های شخصیتی برای موفق شدن در هر زمینه‌ای لازم است. در این باره در نتایج پژوهش (Atashafrouz & Araban, 2017) اشاره شده است که ویژگی‌های شخصیتی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم (از طریق اثرگذاری بر راهبردهای مطالعه افراد)، بر موفقیت تحصیلی آنها مؤثر است. رقابت‌طلبی افراد نابینا باعث می‌شود تا این افراد در موقعیت‌هایی که امکان رقابت بیشتری وجود دارد، مثل مدارس تلفیقی که تعداد بیشتری دانش‌آموز در آن حضور دارند یا دانشگاه که فضای علمی جدی‌تری بر آن حاکم است، عملکرد بهتری داشته باشند. سخت‌رویی آنها باعث تلاش چندین برابری نسبت به هم‌تایان بینایشان، سماجت و پیگیری در راه رسیدن به خواسته و روحیه جنگنده و تسلیم نشدن در برابر ناملایمات می‌گردد. پژوهش (Hosseini, Zaghi Paydar and Rashid, 2018) نیز این ویژگی‌ها را در قالب مفهوم ثبات قدم برمی‌شمرد و معتقد است یکی از عواملی که بر میزان مقاومت در برابر شکست اثر می‌گذارد و در بین تمام افراد موفق در هر زمینه‌ای مشترک است، ثبات قدم می‌باشد. ثبات قدم به‌عنوان یک نقطه قوت شخصیتی با دستاوردهای تحصیلی در ارتباط و پیش‌بین معتبری برای عملکرد تحصیلی و فارغ‌التحصیلی است (Suzuki, Tamesun, Asahi & Ishikawa, 2015; Duckworth & Gross, 2014).

پذیرش و تاب‌آوری، از دیگر ویژگی‌های نابینایان می‌باشد که از طریق بالا بردن ظرفیت تحمل این افراد، حرکت در مسیر دشوار تحصیل را برای آنها تسهیل می‌کند. تاب‌آوری به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی در کنار امید، خوش‌بینی و کارآمدی، با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد (Mohebbi, Shahani & Pashasharifi, 2014). برخورداری از شجاعت و جسارت این افراد باعث می‌شود که این افراد برای رسیدن به اهداف خود وارد راه‌های جدید و ناشناخته شوند و با سماجت و پیگیری و با اتکاء به توانایی‌های خود و بدون وابستگی به دیگران، مسئولیت مشکل خود را بر عهده بگیرند.

برخورداری از استعدادها و مهارت‌های شناختی ذاتی و اکتسابی، می‌تواند به افراد نابینا در پیش رفتن در مسیر تحصیل و رسیدن به موفقیت در این راه کمک کند. این افراد با استفاده از مهارت حل مسئله، می‌توانند در عین داشتن مشکل بینایی، راه‌حل درست عبور از چالش‌های پیش‌آمده در مسیر تحصیل را انتخاب کنند. در همین راستا، بر طبق نتایج Raeeson et al.

(2018)، بین برخورداری از مهارت حل مسئله و موفقیت تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نابینایان با برخورداری از توانایی برقراری رابطه، می‌توانند در ابعاد مختلف اجتماعی، هنری و فرهنگی، ارتباطات کمک‌کننده‌ای برقرار کرده و دوستانی پیدا کنند که بتوانند از حمایت آن‌ها استفاده کنند. در این راستا، پژوهش Ameli Moghaddam, Zeraati, Dideban and Khazan (2015)، نیز نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های بین‌فردی، مثل مهارت برقراری ارتباط مؤثر، سازگاری بین‌فردی و مهارت همدلی با دیگران، به افراد دارای کم‌توانی کمک می‌کند تا از طریق رفتار یا کلام، به‌طوری‌که متناسب با فرهنگ جامعه یا موقعیت خود آن‌ها باشد، ارزش‌ها، نیازها و باورهای خویش را مطرح سازند.

نابینایان همچنین با بهره‌مندی از مهارت برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، برنامه درستی در استفاده از زمان و فرصت‌ها و تعیین اهداف تنظیم می‌کنند و مهارت‌های مطالعه و یادگیری را به بهترین شکل ممکن و متناسب با شرایط خاص خود به کار می‌برند. آن‌ها با آگاهی از کمبود منابع و محدودیت زمان، سعی می‌کنند از تمام فرصت‌های زمانی خود برای مطالعه استفاده کنند. در همین راستا بررسی رفتار افراد موفق نشان می‌دهد عامل زمان در نزد آن‌ها نقش و اهمیت بی‌بدیلی داشته است به‌طوری‌که قبل از آغاز هر کاری، عامل زمان را در مرکز توجه قرار می‌دهند و افراد با انگیزه پیشرفت بالا، بهترین برنامه‌ریزی‌ها را برای استفاده از زمان انجام می‌دهند (Shafii et al., 2018). در این راستا نتایج پژوهش‌ها ارتباط مثبت و معنی‌داری بین مدیریت زمان و توان برنامه‌ریزی با عملکرد تحصیلی نشان می‌دهد (Nejati, 2014). همچنین سبک‌های یادگیری خودمحور، رابطه مثبتی با موفقیت تحصیلی بخصوص در مقاطع عالی تحصیلی دارد (Garton, Ball & Dyer, 2002) و طبق گفته Saeed Zadeh, Mohammadi and Asadi, (2018)، دانشجویانی که از فراشناخت بیشتری استفاده می‌کنند، در هنگام تدریس استاد و یا هنگام مطالعه، سعی می‌کنند همان زمان با معنادار کردن اطلاعات و ایجاد محیط یادگیری مناسب، مطالب را یاد بگیرند و عملکرد تحصیلی خود را بالا ببرند.

اجتماع به‌عنوان یک محیط فراگیر که همه ما در آن زندگی می‌کنیم، تأثیر مثبت یا منفی بسزایی بر تصمیمات ما می‌گذارد. برخورداری از منابع حمایت اجتماعی و متصل شدن به آن‌ها مثل نهادهای دولتی حمایت‌کننده از افراد دارای کم‌توانی و یا مؤسسات غیردولتی که به نابینایان خدمات می‌دهند، یکی از این عوامل مثبت اجتماعی است که این افراد می‌توانند به-

عنوان یک سرمایه اجتماعی از آن استفاده کنند. فرصت‌هایی مثل قرار گرفتن در شهرهای بزرگ و پرامکانات که امکان پیشرفت بیشتری را فراهم می‌کنند و داشتن امنیت اجتماعی نیز از دیگر عوامل اشاره شده این افراد بوده است. امنیت اجتماعی به عنوان یکی دیگر از ملاک‌های سرمایه اجتماعی است که با پیشرفت تحصیلی دانشجویان ارتباط مثبت معنی‌داری دارد (Sotoudehasl, Kahouei, Sensebili & Fodaje, 2018).

همچنین نگرش‌های اجتماعی مثبتی در مورد تحصیلات و افراد تحصیل‌کرده وجود دارد که نابینایان را در ادامه راه خود در این مسیر مصمم‌تر می‌کند. این دیدگاه اجتماعی که دکتری هر رشته‌ای متخصص و صاحب‌نظر در آن رشته محسوب می‌شود و حرف او قابل استناد است و شأن و جایگاهی که نگاه جامعه برای «دکتر» قائل هست، این افراد را بر آن می‌دارد که تمام تلاش خود را برای رسیدن به این مقطع بکار گیرند. (Sotoudehasl et al., 2018). وجود دوستان حمایت‌کننده، راه به‌عنوان یکی دیگر از سرمایه‌های اجتماعی افراد می‌دانند که در پیشرفت و موفقیت آن‌ها نقش دارد. نابینایان همچنین با دیدن الگوهای نابینای موفق در اجتماع، جمع دوستان، مؤسسات نابینایان و پست‌های دولتی، این خودباوری در خود به وجود می‌آورند که «اگر آن‌ها توانستند، من هم می‌توانم».

روشن بودن و اولویت‌بندی ارزش‌ها و علایق در زندگی نابینایان و هدف‌گذاری در جهت آنها، یکی دیگر از مواردی است که می‌تواند در مسیر رسیدن به موفقیت در زندگی و از جمله موفقیت تحصیلی به آنها کمک کند. ارزش‌ها باورهای فراموقعیتی در مورد مطلوبیت‌ها هستند و انتخاب‌های افراد را هدایت می‌کنند (Eccles, 2005). ارزش‌ها مستقل از اهداف موجودیت ندارند و هر ارزش نشان‌دهنده حداقل یک هدف برای رسیدن به آن است. در واقع علایق فردی و ارزش‌های فردی، اهداف را مشخص می‌کنند (Mohammadi, Turkzadeh & Noai, 2011). بین جهت‌گیری اهداف و عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد (Abdi, 2017). با توجه به این‌که اشتغال نابینایان از اساسی‌ترین مشکلات اجتماعی آن‌ها به شمار می‌رود، این افراد از مسیر تحصیلات برای رسیدن به اهداف شغلی و اقتصادی خود استفاده می‌کنند. چرا که طبق نظر (Erfani, 2004; cited by Hosseini et al., 2018)، پیشرفت تحصیلی باعث توسعه سرمایه انسانی در زندگی و ارتقاء جایگاه اجتماعی، شغلی و اقتصادی می‌گردد. موفقیت تحصیلی از جمله ارزش‌های مهم و اساسی هر جامعه است (Akbari Bourang & Ghavamiarad, 2015) و

افراد به‌واسطه موفقیت در تحصیل به موقعیتی دست می‌یابند که از حداکثر نیروی خود برای دستیابی به اهداف آموزش عالی استفاده می‌کنند و شرایط لازم برای زندگی اجتماعی موفق را کسب می‌کنند (Salmalian & Kazemnezhad Leili, 2014). طبق نظر Adler، اهداف تخیلی در شکل‌دهی آینده فرد نقش مهمی دارد (Schultz & schultz 2008). بنابراین نابینایان سعی می‌کنند از مسیر تحصیلات برای واقعیت بخشیدن به اهداف تخیلی خود استفاده کنند.

در نهایت، عوامل مؤثر در موفقیت تحصیلی نابینایان را می‌توان به دو گروه عوامل درونی مربوط به فرد و عوامل بیرونی مربوط به خانواده، جامعه و محیط‌های آموزشی تقسیم کرد. آشنا کردن این قشر با نیازهای درونی خود، القاء امید و انگیزه به این افراد و پررنگ کردن ارزش‌ها در آن‌ها، کمک می‌کند تا نابینایان اهداف خود را در راستای رفع نیازهای درونی خود تنظیم کرده و با به دست آوردن موفقیت‌هایی در این مسیر به خودباوری و اعتماد به نفس برسند و بتوانند تمام استعدادهای خود را در این زمینه شکوفا کنند. همچنین با توجه این‌که یکی از نیازهای افراد نابینا، درک شرایط آن‌ها از جانب خانواده و برخورداری از حمایت‌های آن‌هاست و نگرش‌های والدین تأثیر بسزایی بر ابعاد مختلف زندگی این افراد می‌گذارد؛ آموزش خانواده‌های این افراد می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در رسیدن آن‌ها به موفقیت داشته باشد. مدارس و دانشگاه‌ها نیز با توجه به تأثیر بسزایی که در هدایت افراد نابینا به سمت ادامه تحصیل دارند، می‌توانند با تجهیز و تأمین امکانات لازم برای این افراد، بستر را برای حضور هرچه بیشتر آن‌ها در عرصه‌های علمی فراهم کرده و ورود این افراد به دانشگاه را تسهیل کنند. در این صورت می‌توان پویایی و نشاط را به جامعه نابینایان تزریق کرده و از رکود و خموشی این قشر بااستعداد جلوگیری کرد. در نهایت پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های دیگری، نقش هریک از عوامل شناسایی شده در موفقیت تحصیلی نابینایان تعیین شده و مطالعات بیشتری در این زمینه صورت پذیرد.

سهم مشارکت نویسندگان: این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول، با راهنمایی دکتر حسین‌احمد برابادی و مشاورت دکتر هادی عباسی است.
سپاسگزاری: نویسندگان مراتب تشکر خود را از تمامی افرادی که در این پژوهش مشارکت و همکاری کردند اعلام می‌دارند.

تضاد منافع: نویسندگان اذعان می‌کنند که در این مقاله هیچ نوع تعارض منافی وجود ندارد.
منابع مالی: این مقاله بدون هیچ‌گونه منابع مالی انجام شده است.

References

- Abdi, R. (2017). The mediating role of achievement goals orientation in the relationship between perfectionism and academic performance. *Journal of Instruction and Evaluation*, 10(29), 53-68. [Persian]
- Akbari Bourang, M., & Ghavamiarad, Z. (2015). Predicting girls' academic achievement based on their religious orientation and interpersonal trust. *Educational Cultural Journal of Women and Family*, 10(33), 24-41. [Persian]
- Ameli Moghaddam, S., Zeraati, M., Dideban, M., & Khuzan, K. (2015). Effectiveness of life skills training on quality of relationship in physical-motor disabled people hospitalized in wellness centers. *The Journal of Health Breeze*, 4(2), 55-65. [Persian]
- Amini, R., Haghani, H., & Masoumi, M. (2010). Quality of life in the Iranian Blind War Survivors in 2007: a cross-sectional study. *BMC international health and human rights*, 10(1).
- Arjmandnia, A., Vatani, S., & Hassanzadeh, S. (2017). The effect of positive thinking training on happiness and irrational beliefs in blind adolescents. *Journal of Positive Psychology*, 2(3), 21-34. [Persian]
- Atashafrouz, A., & Araban, S. (2017). Causal Relationship between Personality Traits and Academic Performance with Mediating Role of Study Strategies in Students. *Journal of Psychological Achievements*, 24(1), 79-98. [Persian]
- Augestad, I. B. (2017). Self-concept and self-esteem among children and young adults with visual impairment: A systematic review. *Cogent Psychology*, 4(1), 1-12.
- Bahrani, S., Vaez Mousavi, K., & Davari, F. (2014). The level and type of irrational beliefs among athletes in the national disabled athletics. *Journal of Disability Studies*, 4(8), 26-32. [Persian]
- Boekaerts, M., & Pekrun, R. (2016). Emotion and emotion regulation in academic setting. In L. Carno & E.M. Anderman (Eds.), *Handbook of educational psychology* (3rd ed., pp. 76-90). New York, NY: Taylor & Francis.
- Duckworth, A., Gross J. J. (2014). Self-control and grit: Related but separable determinants of success. *Current Directions in Psychological Science*, 23(5), 319-325.
- Dursin, A. G. (2012). Information design and education for visually impaired and blind people. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 46, 5568-5572.
- Ebrahimi, N., Sabaghian, Z., & Abolghasemi, M. (2012). Investigating relationship hope and academic success of college students. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 60, 1-16. [Persian]
- Eccles, J. S. (2005). Subjective task value and the Eccles et al. model of achievement related choices. In A. J. Elliot & C. S. Dweck (Eds.), *Handbook of competence and motivation*. (pp. 105 – 122).

- Entezari, M. (2016). With the enactment of the Disability Protection Act, does the key to the house reach the handicapped? *Peyke Tavana*, 62, 27-27. [Persian]
- Ferrari, C., Vecchi, T., Merabet, I. B., & Cattaneo, Z. (2017). Blindness and social trust: The effect of early visual deprivation on judgments of trustworthiness. *Consciousness and cognition*, 55, 156-164.
- Frisch, M. B. (2006). *Quality of life of therapy: Applying life satisfaction approach to positive psychology and cognitive therapy*. New Jersey: John Wiley and Sons.
- Garton, B. L., Ball, A. L., & Dyer, J. E. (2002). The academic performance and retention of college of agriculture students. *Journal of Agricultural Education*, 43(1), 46-56.
- Gholamali Lavasani, M; Khezri Azar, H, Amani, J and Alizadeh, S. (2011). Academic Achievement in University: The Role of Basic Psychological Needs and Identity Styles. *Journal of Training & Learning Researches*. 2(1): 25-38. [Persian]
- Golestaneh, M., Soleimani, L., & Dhghni, Y. (2017). Relationship between developmental assets and academic achievement: Mediating role of psychological capital. *Journal of Psychological Achievements*, 24(1), 127-150. [Persian]
- Habibi, Z., Khosro Javid, M., & Hossein Khanzadeh, A. (2014). The efficacy of emotional intelligence training on coping strategies whit stress in individual whit visual impairments. *Journal of Holistic Nursing & Midwifery*, 24(71), 21-29. [Persian]
- Hodapoor, A., Sharifidaramadi, P., & Kazemi, F. (2015). Effectiveness of attribution styles change on depression rate decrease of adolescent blind girls. *Journal of Psychology of Exceptional Individuals*, 5(19), 78-90. [Persian]
- Hosseini, M., Zoghi Paidar, M., & Rashid, K. (2018). The role of grit and intelligence in predicting students' academic achievement. *Cognitive Strategies in Learning*, 6(11), 234-249. [Persian]
- Janalizadeh Chobdosti, H; Khoshfar, Gh and Sepehr, M. (2012). Cultural capital and educational success: An empirical evaluation of theoretical models. *Foundations of Education*. 1(2): 10-83. [Persian]
- Jeynes, W. (2013). *Divorce, family structure and academic success of children*. Libra publishers, Gale Group Press.
- Kashy-Rosenbaum, G., Kaplan, O., & Israel-Cohen, Y. (2018). Predicting academic achievement by class-level emotions and perceived homeroom teachers' emotional support. *Psychology in the Schools*: 1 – 13.
- Keeffe, J. (2019). Global data on vision loss. In John Ravenscroft, *The Routledge handbook of visual impairment: Social and cultural research*. London: Routledge.
- Klinkosz, W., Sekowski, A., & Brambring, M. (2006). Academic achievement and personality in university students who are visually impaired. *Journal of visual impairment & blindness*, 100(11), 666-675.

- Mahdinejad, L., Goharpey, S., Ghasemzadeh, R., & Latifi, M. (2016). A comparison of families functioning in families with member visually and hearing impairments with families without disorders. *Journal of Modern Rehabilitation, 9*(5), 42-50. [Persian]
- Mohammadi Ghaletaki, N., Ghamrani, A., & Barmak, M. (2014). Comparison of procrastination' students physical-motor handicapped, deaf and blind considering their gender roles. *Journal of Exceptional Education, 3*(125), 22-30. [Persian]
- Mohammadi, M., Turkzadeh, J., & Noai, S. (2011). Investigating the relationship between students' academic values and their orientation to success in Shiraz University. *Journal of Humanities Research, 12*(29), 1-30. [Persian]
- Mohammadpour, A. (2013). *Qualitative research method, anti-method*. Tehran, Jameeshenasan.
- Mohebbi, M., Shahani, M., & Pashashrifi, H. (2014). The relationship of psychological capital (hope, optimism, resiliency, and self-efficacy) with the achievement goals and academic performance. *Journal of Management System, 11*(13), 61-79. [Persian]
- Molazadeh Esfanjani, R., Javanmard, G., Arazi, H., & Yeganegi, S. (2013). A comparison of self-esteem and mental health in blind athlete and non-athlete form 13-30 years in Mashhad. *Journal of Exceptional Children, 13*(2), 71-79. [Persian]
- Mousavi, W., Saghebi Saeedi, K., & Shakeri Nia, I. (2018). Relationship between diploma verage and Entrance Exam (NEE) rank with students' academic progress. *Rooyesh Psychology Journal, 7*(8), 113-130. [Persian]
- Nasehi, A., & Raeisi, F. (2007). A review of Adler's theories. *Journal of Advances in Cognitive Science, 9*(1), 55-66. [Persian]
- Nejati, V. (2014). Correlation between students' educational status and brains cognitive abilities. *Journal of Education Strategies in Medical Sciences, 6*(4), 217-221. [Persian]
- Papadopoulos, K. (2014). The impact of individual characteristics in self-esteem and locus of control of young adults with visual impairments. *Research in Developmental Disabilities, 35*, 671-675.
- Papadopoulos, K., Panakonstantinou, D., Montgomerv, A., & Solomou, A. (2014). Social support and depression of adults with visual impairments. *Research in developmental disabilities, 35*(7), 1734-1741.
- Raeisoon, M., Mohammadi, I., Amirabadii Zadeh, H., Akbari, N., & Saeezadeh, M. (2018). Investigating the relationship between problem solving skills and academic achievement of students of Birjand University of Medical Sciences in 2017. *Journal of Birjand University of Medical Sciences, 25*, 76-89. [Persian]
- Rezaei, A., Raisi, K., & Jalilian, S. (2018). The study of effective of metacognitive skills and academic self-efficacy on academic achievement of agricultural students of Saravan institute of Higher education. *Iranian Journal of Agricultural Economic and Development Research, 2*(4), 749-

764. [Persian]

Sadeghi Fassaei, S., & Fateminia, M. (2014). Disability, the hidden part of society, a sociological study on status of disability in Iran and the World. *Social Welfare, 15*(58): 159-194. [Persian]

Saeed Zadeh, M., Mohammadi, Y., & Asadi, F. (2018). The role of metacognitive beliefs and self-efficacy in the academic achievement of the students. *Journal of Medical Education and Development, 13*(2), 140-149. [Persian]

Sahebi, A., Zalizadeh, M., & Zalizadeh M. (2015). Choice theory: An approach to accountability. *Ffrooyesh, 4*(2), 113-134. [Persian]

Salehi, R., Abedi, M., & Nilfroushan, P. (2019). Developing an academic success model: A qualitative study. *Journal of Culture Counseling, 10*(38), 1-30. [Persian]

Salmalian, Z., & Kazemnezhad Leili, E. (2014). Correlation between self-concept and academic achievement of students. *Journal of Holistic Nursing and Midwifery, 24*(71), 40-47. [Persian]

Sarabandi, A; Kamali, M and Mubaraki, H. (2012). The relationship between impairment visual function and quality of life of the blind. *Research in Rehabilitation Sciences. 8*(6): 1015-1023. [Persian]

Schultz, D, P and Schultz, S. (2008). Theories of Personality. Translated by Yahya Seyed Mohammadi. Tehran, Virayesh.

Shafii, M., Dehghanpour, F., Akbari, R., Kamaali, M., Baghian, N., & Dehghani Tafti, A. (2018). The relationship between time management and the academic achievement motivation in students: A case study among students of the public health school in Yazd Shahid Sadoughi University of Medical sciences in 2016. *Manage Start Health Syst, 3*(2), 135-143. [Persian]

Soleimani, N., & Mirzaei, K. (2018). The role of the component of psychological capital in life satisfaction and developmental motivation of students of Payame Noor University in the West of Isfahan Province. *Journal of Educational Leadership and Management Islamic Azad University of Garmsar, 12*(2), 125-144. [Persian]

Sotoudehaslall, N; Kahouei, M, Sensebili, A & Fodaje, F. (2018). Social and psychological capital and its relation whit academic achievement among medical sciences students of semnan university of medical sciences, Semnan, Iran. *Koomesh, 20*(2): 256-262. [Persian]

Suzuki, Y., Tamesue, D., Asahi, K., & Ishikawa, Y. (2015). Grit and work engagement: A cross-sectional study. *Journal. PLoS ONE, 10*(9), 1-11.

Yousefi Jordhi, A., Jamshidinejad, A., & Moatamed, N. (2018). Evaluation of relationship between academic motivation and achievement in students of Zanjan University of Medical Sciences. *Journal of Medical Education Development, 11*(29), 63-54. [Persian]

